

تبیینی از تعطیلی حج از صفویه تا انقلاب اسلامی ایران

سید محمود سامانی*

چکیده

حج‌گزاری مسلمانان از اواخر حیات رسول الله ﷺ آغاز گردیده و تا قرن سوم هجری، جز موارد بسیار معدود که بیشتر مربوط به حوادث طبیعی و غیر مترقبه بود، بی وقفه انجام شده است. از این زمان به بعد و با ضعف دستگاه خلافت عباسی و پدید آمدن کانون‌های متعدد قدرت در جهان اسلام، رقابت‌ها بر سر سیادت بر حرمین شریفین، به عنوان کانون‌های مشروعیت‌زا، شروع شد که گاه به تعطیلی حج مردمان قلمرو رقیب منجر گردید. در بازه زمانی ۹۰۷ قمری که صفویه در ایران قدرت گرفت تا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (سال ۱۳۹۹ ق/ ۱۳۵۷ ش) نیز بیشتر بنا به دلایل سیاسی و مذهبی، حج در برخی سال‌ها تعطیل شد. این نوشتار در صدد است تا پس از بررسی علل کلی تعطیلی حج، سال‌هایی را که ادای این فریضه الهی مدتی برای برخی مردمان سرزمین‌های اسلامی میسر نشده است، مطرح کند. پرسش اصلی مقاله این است که علل تعطیلی حج در بازه زمانی از صفویه تا انقلاب اسلامی چه بوده و چه سال‌هایی و چرا حج تعطیل شده است.

کلید واژه‌ها: تعطیلی حج، صفویان، قاجاریه، امنیت، عثمانی، آل سعود، رقابت

*. پژوهشگر پژوهشکده حج و زیارت و مدرس دانشگاه. Mahmud.samani@gmail.com

زمانی که صفویه (حک: ۱۱۴۸-۹۰۷ق) در ایران قدرت را به دست گرفتند، بیش از دو قرن از حکومت عثمانی می‌گذشت. اما آنان با تسلط دولت ممالیک (حک: ۹۲۳-۶۴۷ق)، بر حرمین شریفین سیادت نداشتند. حکومت عثمانی پس از پیروزی بر صفویان در نبرد چالدران (سال ۹۲۰ق)، با دولت ممالیک در مصر و شام در افتادند که نتیجه آن، انقراض این دولت در سال ۹۲۳ قمری، و به دنبال آن چیرگی عثمانیان بر حرمین شریفین بود. از این زمان به بعد، دو دولت صفوی و عثمانی که به لحاظ مذهبی نیز همخوانی نداشتند، در رقابت با یکدیگر بودند و روابط خصمانه‌ای داشتند که بر حج‌گزاری ایرانیان و برخی مردمان ممالک شرقی نیز تأثیرگذار بود و گاه موجب تعطیلی حج آنان می‌شد. چنین چالشی با شدت کمتر در ادوار بعد؛ یعنی در عصر حکومت‌های افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی، میان ایران، عثمانی و بعد با آل سعود وجود داشت.

در این مقاله، به اجمال از علل و عوامل تعطیلی حج سخن گفته‌ایم و پس از آن به صورت کرونولوژی و تاریخ مند، سال‌هایی را که حج ایرانیان یا برخی دیگر از ملل به تعطیلی کشیده شد، آورده‌ایم. به جاست پیش از پرداختن به اصل موضوع، اشاره‌ای به دولت‌های تأثیرگذار در تعطیلی حج داشته باشیم:

صفویه؛ آنان نخستین دولت فراگیر شیعه‌مذهب را در ایران تأسیس کردند که از سال ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ق، تقریباً بر تمام ایران قدیم؛ از جمله در برهه‌هایی بر عتبات عالیات و برخی مناطق دیگر عراق حکومت داشتند. در عصر این دولت، بارها حج ایرانیان تعطیل شد. دولت عثمانی که دولتی با گرایش شیعی را در همسایگی خود بر نمی‌تافت، به بهانه‌ها و انگیزه‌های مختلف آن را مورد حمله قرار داد و مناطقی از قلمرو آن را اشغال کرد. مناسبات خصمانه این دولت در امر حج نیز نمودار شد و بارها عثمانی‌ها از حج‌گزاری ایرانیان ممانعت کردند و با اتهام‌زنی ترکان مستقر در حرمین به ایرانیان و تحریک مردم و حاکمان حرمین، مشکلات عدیده‌ای را برای آنان به وجود آوردند. این سیاست در عصر دیگر حکومت‌های ایران (افشاریه، زندیه، قاجاریه و پهلوی) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ش) نیز با شدت کمتر ادامه یافت.

عثمانی؛ این دولت دیرپا در سال ۶۹۹ قمری تأسیس شد و تا سال ۱۳۴۳ قمری، بیش از شش قرن حیات داشت. از این مدت، حدود چهار قرن؛ یعنی از سال ۹۲۳ق،

عثمانی‌ها بر حرمین شریفین مسلط بودند و امارت آنها را که غالباً در اختیار اشراف (سادات) حسنی بود، تأیید و تفویض می‌کردند. عثمانی‌ها در مناسبات ایرانیان و دیگر ملل با حاکمان حرمین، ضلع سوم محسوب می‌شدند و در امر حج‌گزاری، به‌ویژه حج‌گزاری ایرانیان، تأثیرگذار بودند.

آل سعود؛ این دولت نخستین بار در نیمه اول قرن دوازدهم هجری (۱۲۲۳-۱۱۳۹ق)، در نجد عربستان شکل گرفت و پس از سال‌ها توانست برای چند سال سیطره خود را بر حرمین شریفین بگستراند و در امر حج خلل ایجاد کند. دولت آل سعود در این مرحله از حکومت خود، با حملات مصریان مواجه شد که بنا به توصیه و پشتیبانی عثمانی انجام گرفته بود. نتیجه این حمله نابودی دولت اول آل سعود بود. آنان برای بار دوم موفق به تشکیل دولت شدند و از سال ۱۲۴۰ تا ۱۳۰۹ قمری، حکومت کردند؛ اما نتوانستند بر حرمین مسلط شوند؛ هرچند سیطره آنان بر نجد و برخی مناطق پیرامونی، مشکلاتی را بر حجاج در پی داشت.

به رغم نابودی حکومت آنان در این مرحله که به دست آل رشید صورت گرفت، آل سعود برای بار سوم از سال ۱۳۱۹ قمری توانستند دولت نیرومندی را تشکیل دهند که تا کنون به حیات خود ادامه داده است. آنان که از سال ۱۳۴۳ قمری بر حرمین شریفین تسلط یافته‌اند، بارها موجب تعطیلی حج شده‌اند.

* علل تعطیلی حج

۱. نبود امنیت

از عصر صفویه به بعد، یکی از علل تعطیلی حج، فقدان امنیت بوده است. در این دوره، حج‌گزاران قلمرو صفویه گاه از راه شمال عراق خود را به کاروان شام می‌رساندند و از آنجا راهی حج می‌شدند. اما بیشتر ایرانیان در این دوران نیز از راه قدیم عراق یا راه جبل استفاده می‌کردند که از سرزمین‌های داخلی جزیره العرب می‌گذشت. راه عراق، به دلیل وجود مزارهای امامان شیعه در عتبات، برای ایرانیان اهمیت زیادی داشت. در واقع مشکل اصلی در این میان عدم امنیت بود؛ زیرا سفر حاجیان در این راه با حمایت نیروهای نظامی عثمانی همراه نبود و امنیت راه در دست حکام محلی بود که خود از سفر حج کسب

درآمد می کردند و از حاجیان مالیات‌های سنگین می گرفتند و با بدرفتاری خود، گاه موجب کشتار مردم یا عقب افتادن حج می شدند.

۲. نبود قدرت مرکزی

در مسیرهای منتهی به حرمین شریفین در شبه جزیره عربستان، قدرت مرکزی وجود نداشت و این موجب بالا گرفتن آزادی قبایل عرب راهزن می شد که راه مردم را می بستند و آنان را غارت و گاه کشتار می کردند. با این حال این راه برای ایرانیان بسیار کوتاه تر از راه شام بود و از سوی دیگر به دلیل وجود عتبات در عراق و امکان زیارت آنان در راه رفت یا برگشت، ایرانیان عبور از این راه را ترجیح می دادند. یکی از عوامل تعطیلی حج در برخی از سال‌ها هم همین ناامنی راه حج بود و گاه دولت صفوی مردم را از سفر از طریق راه جبل منع می کرد. در نامه‌ای که شاه عباس دوم به شریف مکه نوشت، به منع حاجیان برای عبور از راه بصره اشاره کرده و بازگشایی راه حج را منوط به تعهد حاکم بصره و شریف مکه به برقراری امنیت در طول مسیر شده است (شاردن، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۶۱۶؛ احیاء الملوک، ص ۴۷۹؛ مقالات تاریخی، دفتر ۱۱، صص ۶۸-۶۲).

۳. رقابت و دشمنی میان صفویان و عثمانی

رقابت و دشمنی میان دو دولت عثمانی و صفوی در عرصه سیاسی، به مخاطراتی برای حج ایرانیان تبدیل شد؛ زیرا چنین شکافی بین آنها باعث افزایش احساسات ضد شیعی و ضد ایرانی در حرمین شریفین و دیگر مناطق تحت قلمرو عثمانی شد. احساسات ضدیت با ایرانیان در میان مردم و دانشوران حجاز در آن دوران بیشتر بود و همین دید منفی به کشته شدن برخی ایرانیان در مکه مکرمه انجامید. میزان تعصبات دینی در این شهر مقدس به اندازه‌ای بود که شایعاتی همچون اعتقاد شیعیان به نجس کردن کعبه (تلویث) در میان مردم رواج یافته بود (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۲). این اتهام چندین بار دستاویز کشتار شیعیان قرار گرفت؛ برای نمونه در سال ۱۰۸۸ قمری پیدا شدن آلودگی‌ای همانند نجاست بر دیوار کعبه، بهانه‌ای به دست متعصبان داد تا برخی شیعیان حاضر در مسجدالحرام را به گونه‌ای دردناک با سنگ و چوب به قتل برسانند (السنجاری، ۱۴۱۹ق،

ج ۴، ص ۴۸۸) در این رخداد، یکی از دانشوران ایرانی مجاور مکه به نام محمد مؤمن استرآبادی نیز کشته شد (خاتون آبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۵۳۴؛ محمدالمجیبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۳-۴۳۲؛ جعفریان، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۸۳۹) از دیگر دانشوران ایرانی که در این دوران کشته شدند، زین العابدین فرزند نورالدین بود (عبدالله الافندی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۹۹). یک‌بار نیز یکی از دانشوران ایرانی تبار ساکن مکه به جرم دفاع از تشیع در مجلس درس، با اینکه قاضی به برائت او حکم داده بود، به دست متعصبان به قتل رسید (نیل المنی، ج ۲، صص ۷۶۴-۷۶۳).

گفتنی است که مسیر حج ایرانیان از سرزمین‌های زیر نظر دولت عثمانی می‌گذشت و سفر آنان به قلمرو دشمن، به ویژه هنگامی که آتش نبرد میان ایران و عثمانی شعله‌ور بود، با موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌شد. گزارش‌ها حاکی از تعطیلی حج به دلایل سیاسی در برخی سال‌ها بوده است.

بر اساس برخی اخبار، شاه عباس صفوی (حک: ۱۰۳۸-۹۹۵ق)، سفر حج را مدتی ممنوع کرد؛ زیرا از نظر وی حج‌گزاری ایرانیان عامل سرازیر شدن پول بسیار از کشور می‌شد (دنبلی مفتون، ۱۳۶۳ش، ص ۲۵؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۰۳۷) و دشمن ایران؛ یعنی عثمانی نیز از آن بهره‌مند می‌گردید.

* کرونولوژی تعطیلی حج

۱. تعطیلی حج در عصر صفوی

۱۰۴۷ قمری: در این سال میان شاه‌صفی با سلطان‌مراد چهارم عثمانی (حک: ۱۰۴۹-۱۰۳۲ق)، نبرد جریان داشت که ایرانیان به فرمان سلطان عثمانی از مکه اخراج، و برای چند سال از حج‌گزاری بازداشته شدند (السنجاری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲).

۱۱۱۶ قمری: در این سال می‌توان گفت عملاً حج برای مردمان عراق و ایران تعطیل بوده است؛ زیرا از عراق فقط چهل نفر موفق به ادای حج شدند (مکی سعودی، بی‌تا، ص ۱۹۲).

۱۱۴۳ قمری: در این سال شیعیان ایرانی دیرتر از موسم به مکه رسیدند و ناگزیر شدند تا سال آینده در مکه بمانند. البته اقامت آنان در درس‌ساز شد و برخی مردم مکه با همکاری

نیروهای مستقر در شهر، به بهانه آلوده ساختن حرم از سوی ایرانیان، بر آنان شوریدند و آنها را از شهر بیرون راندند (السباعی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۲).

با این حال، جز این موارد، گزارش‌های مشخصی درباره قطع شدن حج ایرانیان در دوران صفویه در دست نیست. دولت عثمانی برای حفظ وجهه دینی خود به عنوان خادم حرمین، از ممنوع کردن حج ایرانیان پرهیز می‌کرد. اما با توجه به روابط ایران و عثمانی در این دوران، می‌توان حدس زد که حج‌گزاری ایرانیان در زمانی که دو دولت در نبرد بوده‌اند، متوقف یا سخت محدود بوده است (دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۴، ایران، ص ۶۴۳).

توقف حج ایرانیان و مشکلات آنان را از نامه‌های دو دولت عثمانی و صفوی می‌توان دریافت. در این نامه‌ها به مشکلات حج ایرانیان و بسته بودن راه آنان اشاره شده و رسیدن به صلح برای آسایش حاجیان ضروری دانسته شده است (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۹؛ نوایی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۳۷-۲۰۳؛ از شیخ صفی تا شاه صفی، ص ۲۱۳). هنگامی که دولت ایران و عثمانی در صلح به سر می‌بردند، حج‌گزاری ایرانیان با آزادی و گستردگی بیشتر انجام می‌شده است. گزارش‌هایی از سفرهای پرشمار ایرانیان در برخی سال‌ها و نیز سفر افراد، به ویژه بزرگان دولت صفوی و علمای شیعی، و سکونت شماری از آنان در مکه و مدینه، در دوران صفوی در دست است (السنجاری، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۲۵۶ و ۲۶۵؛ خاتون آبادی، ۱۳۵۲ش، ص ۵۵۳؛ جعفریان، ۱۳۷۹ش، ج ۲، صص ۸۵۰-۸۴۴؛ آل بسام، ۱۴۱۹ق، ج ۱، صص ۳۱۳، ۴۴۰ و ۸۱۱؛ صفوی، ص ۳۳).

۲. تعطیلی حج ازبکان در دوره صفویه

افزون بر حج ایرانیان که بنا به عوامل مختلف در این دوره تعطیل می‌شد، حج ازبکان نیز که به یک معنا به حج ایرانیان گره خورده بود، انجام نمی‌شد؛ زیرا آنان می‌بایست از ایران عبور می‌کردند و این در حالی بود که ازبکان به دلایل سیاسی و مذهبی و تحریک عثمانی بارها با صفویه رویارو شدند و شمال شرقی ایران را مورد تاخت و تاز قرار دادند. از این رو، عبور آنان از قلمرو صفویه برای حج، دچار مشکل می‌شد و تعطیلی

حج را به دنبال داشت. راه جایگزین برای آنان، شمال دریای خزر و پیوستن به کاروان عثمانی بود.

گفتنی است که در جنگ‌های عثمانی و دولت ممالیک، مدتی حج شامیان تعطیل شد؛ چنان که در سال ۹۲۳ ق، پس از آنکه سلطان سلیم مصر را تصرف کرد و چراکسه از میان رفتند، بر خلاف محمل رومی که برای حج به راه افتاد، محمل شامی از حج بازماند (مکی سعودی، بی تا، صص ۷۴-۷۳).

۳. تعطیلی حج در دوره افشاریه (حک: ۱۱۶۳-۱۱۴۸ ق)

رفتارهای ناپسند عثمانی‌ها در اتهام به ایرانیان و حج گزاران مقیم حرمین در دوران حکومت نادرشاه افشار نیز تکرار شد؛ چنان که ماجرای سیدنصرالله حائری (م. ۱۱۵۸ ق) از آن جمله است. حائری، مدرس و خطیب توانای حرم امام حسین علیه السلام، برای پیگیری مصوبات همایش نجف به سال ۱۱۵۷ قمری از سوی نادر، راهی مکه شد. وی در مسجدالحرام به روش شیعیان نماز گزارد و پس از نماز، مبلغ فراوانی را به نام نادر میان دانشوران قسمت کرد. وی مورد استقبال شریف مسعود بن سعید بن سعد حسنی، حکمران مکه قرار گرفت و نامه‌های نادر برای توافق دانشوران فریقین در رسمی شمردن مذهب جعفری، برپایی نماز به شیوه شیعیان در مسجدالحرام و مسجدالنبی و درگیر نشدن فریقین با یکدیگر، همراه هدایای نفیس نادر به شریف مکه و حکمران مدینه تقدیم کرد. شریف مسعود، نامه و هدایا را برای کسب تکلیف به دربار عثمانی فرستاد و سیدنصرالله را نزد خود نگاه داشت. امیر جده، ابوبکر پاشا، در همان سال نامه‌ای از خواهرزاده خود، احمد پاشا، که در مرز ارز روم مستقر بود، با فرمان نقض سازش میان عثمانی و نادر دریافت کرد و بر همین اساس، از شریف مسعود خواست که سیدنصرالله را به او بسپارد تا به قتل برساند. شریف در برابر این خواسته او مقاومت کرد، ولی برای رفع اتهام تمایل به تشیع، دستور داد تا پس از هر نماز در مسجدالحرام شیعیان را لعن کنند. شریف پس از یک سال سیدنصرالله را همراه امیرالحاج شام، اسعد پاشا، راهی استانبول کرد و سرانجام سیدنصرالله در نهم رجب سال ۱۱۵۸ قمری در میدان باب السرایای استانبول به اتهام فساد مذهب گردن زده شد (الموسوی العاملی، ۱۴۳۱ ق، ج ۲، صص ۳۹۸-۳۷۷).